

## لویه جرگه عنعنوی مشورتی و آینده مادروطن عزیز ما افغانستان

بلی من در مقاله مؤرخ ۱۱ نوامبر ۲۰۱۱ م. نکاتی راجع به متن اعلامیه ستراتیژیکی امریکا و افغانستان به عرض رسانده بودم که هدف از دائر نمودن لویه جرگه مصلحتی، خاک زدن به چشمان به اصطلاح نماینده گان ملت ضعیف و ناتوان، برای قبولاندن اعلامیه ستراتیژیکی پیشنهاد شده امریکا، بمنظور ساختمان پایگاه های نظامی شان میباشد. هموطنان گرانقدر از مشاهده مراسم لویه جرگه مصلحتی غیر قانونی و غیر عنعنوی و صحبت بسیار عامیانه و عوامفریبانه افتتاحیه جناب آقای حامد کرزی، الی بیانیه اختتامیه جناب شان به نتیجه رسیده باشند که همه صحنه سازی ها به این منظور بود که با خاک زدن چشمان اعضای شامل لویه جرگه که به هیچنوع نمایندگی از ملت مظلوم و ستمدیده را نمیکردند، شتر را با بارش از زیر زرخ شان بگذرانند. در نتیجه قطعنامه را بحیث سندی بدست آرند که گویا بیانگر نظریات ملت است.

آقای حامد کرزی رئیس صاحب جمهور دولت اسلامی افغانستان با صحبت ضد و نقیض خود که از یکطرف خود را شیر گفت و از جانب دیگر فرمودند که من "حاکمیت ملی خود را میخوام و از امروز میخوام" ثابت ساختند که شیر علیل و دست و پا بسته ای در قید دولتمردان امریکا، انگلستان و چهل و چهار نگهبان اجنبی دیگر میباشد که هیچ چیزی در توانش نیست به جز از غرغر کردن.

با ختم بیانیه افتتاحیه جناب حامد کرزی، ما شاهد تعیین رئیس لویه جرگه و به تعقیب آن تعیین هیأت اداری جرگه بصورت غیر دیموکراتیک و نسپردن متن اعلامیه به اختیار اعضای لویه جرگه عنعنوی مشورتی بودیم که از قبل پلان شده و احترام نگذاشتن به آرائی حاضرین انتصابی جرگه بود، یعنی با خاک زدن به چشمان اعضای به اصطلاح لویه جرگه عنعنوی مشورتی چنین وانمود کردند که امریکائی ها نمیخواهند مطالبات خود را که در اعلامیه منعکس گردیده، بدسترس منابع خبری برسد. بیانیه قبول نمائیم که امریکا بعضاً موضوعات مهم را بخاطر افشا نشدن موضوع، قبل از فیصله نهایی در دروازه های بسته کانگرس خود مطرح و بالاپش تصامیم میگیرند، اما چرا در افغانستان اگر مطالبات مندرجه اعلامیه خود را بنا بر ملحوظات خودشان در جلسه عمومی لویه جرگه مطرح نمیتوانستند، پس چرا مطالبات خود را در یک جلسه بسیار خصوصی از نماینده گان چهل گروپ که نماینده گی از تمام لویه جرگه را میکردند، در پشت درهای بسته مطرح نکردند؟ تا حد اقل بصورت غیر مستقیم اعضای لویه جرگه به واقعیتهای پی میبردند و در روشنی آن تصامیم لازمه را میگرفتند. خیر واقعبیت این بود که دولت افغانستان با تبنانی امریکا خواستند خود گل کوزه کوزه و کوزگر باشند یعنی زیر چتر جرگه عنعنوی مشورتی که از قبل فیصله های آن از طرف معاون سفارت امریکا به نمایندگی دولت امریکا در افغانستان بنام اینکه دولتهای افغانستان و امریکا دو کشور مستقل اند، تصامیم گیری لویه جرگه و ولسی جرگه را در مورد اعلامیه ستراتیژیک طرح شده خودشان الزامی ندانسته بود و میخواستند بعد از صدور قطعنامه جرگه، آنرا مطابق میل خود برش و سپس بحیث نظر ملت افغانستان در کانفرانس بن دوم که بتاريخ ۵ دسمبر ۲۰۱۱ م در جرمنی به حضور نود کشور، به گرداندگی دولت اسلامی افغانستان دایر میشود، مطرح و اهداف شوم خود را کافی السابق در افغانستان و منطقه پیش ببرند. طور مثال ما از طریق تلویزیونها شاهد بودیم که در موقع قرائت قطعنامه ذکر گردید که افغانستان از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد که عبارت از "اقدام در موارد تهدید علیه صلح- نقض صلح و اعمال تجاوز" میباشد به فصل ششم منشور سازمان ملل متحد که عبارت از "حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات" میباشد، تبدیل گردد. اما با وجود استقبال گرم حاضرین جرگه با کف زدن ها، در قطعنامه نشر شده اخیر با بریدن آن از آن طفره رفته اند. یعنی امریکا نمیخواهد موضوعات از طریق مذاکرات مسالمت آمیز که در فصل ششم ذکر گردیده حل گردد، بلکه میخواهد در صورت لزوم برای تطبیق اهداف خود طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد عمل نماید.

همچنان روی مصلحتها در جرگه، از یک موضوع نهایت مهم چشم پوشی گردید و آن عبارت از تطبیق عدالت انتقالی بود که در فیصله کانفرانس بن اول بر آن تأکید شده بود و تا حال نه تنها بالای جنایتکاران خونخوار تطبیق نشده، بلکه در یازده سال گذشته با موجودیت شان در بیش از هشتاد فیصد ارگانهای دولتی، یعنی از مقامهای معاونین ریاست

جمهوری، الی پائین ترین رتبه های ملکی و نظامی، کمافی السابق با تیبانی حامیان خارجی شان به چوشیدن خون ملت مضمحل و بخاک و خون کشاندن کلبه های محقر گلی شان ، خود را چاق و چاقتر ساخته اند، متأسفانه بسیار خائنانه در قطعنامه مؤرخ ۱۹ نومبر ۲۰۱۱م لویه جرگه عنعنوی مشورتی مؤرخ ۱۶ نومبر ۲۰۱۱م از آن بکلی چشم پوشی و هیچ تذکری بعمل نیامد. بناً پیش بینی من اینست که بعد از کانفرانس بن دوم الی اخیر ۲۰۱۴م اگر همین شیر علیل و ناتوان با ۴۶ نگهبان خارجی اش باشند نیز هیچ تغییری به جز از بدبختیهای بیشتر در حالت ملت مظلوم و ستمدیده افغان دیده نخواهد شد. آنچه را ما شاهد خواهیم بود اشک ریختن شیر و گله ها از نگهبانان خارجی اش خواهد بود. البته با ختم ۲۰۱۴م اگر حیات باقی بود در مورد آینده صحبت خواهیم کرد یعنی یار زند و صحبت باقی. خداوند(ج) مددگار ملت افغان و افغانستان یکپارچه باشد دشمنان افغان و خاک مقدس افغان ، روی سیه و ناکام باشند

پایان

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادښت: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ